

بچه های دبستان مصلی نژاد خود را برای یک جشنواره ملی آماده می کنند

پاسداشت آب در جشنواره جابر بن حیان



بحران آب جدی است

اگر چه امروز این سه دانش آموز دبستان مصلی نژاد در بلوار فکوری فقط یک نمایش نمادین را بازی کردند، اما بحران آب و مصرف آن برای ما این روزها جدی شده است. از یک سو نزولات آسمانی به شدت کاهش پیدا کرده است و از دیگر سو فرهنگ صرفه جویی در بیشتر افراد جامعه هنوز شکل نگرفته است. همین موضوع انگیزه ای شده است برای مدیران دبیرستان آینه مصلی نژاد تا درباره آن یک گعده علمی با بچه هایشان برگزار کنند. خانم گنودی درباره این همایش می گوید: این فعالیت را به مناسبت فرارسیدن جشنواره علمی جابر بن حیان ترتیب داده ایم، اما واقعیت این است که مسئله اصلی همان مصرف آب و حفاظت از منابع آب است. او ادامه می دهد: از یک ماه پیش تصمیم گرفتیم بچه ها را درگیر یک فعالیت علمی همگانی کنیم و با موضوع آب، به هر کدام از کلاس های یک وظیفه محول کردیم. والدین بچه ها هم درگیر شده اند و در خیلی موارد بهمان کمک کرده اند. چند نفر از بچه ها خودشان را با مواد مختلف پوشانده اند. ستایش جلیقه ای از بخش نامه های مختلف به تن کرده است که از سوی ادارات مختلف برای کاهش مصرف

سید فال آب

یکی دیگر از دخترها، سیدی از کاغذهای لوله شده، شبیه فال های حافظ، در دست دارد و تعارف می کند. یکی را بر می دارم و باز می کنم. یک سؤال روی آن نوشته شده است: «تاکنون چه تعداد از این کاغذها تولید کرده اید و در سطل آشغال انداخته اید؟» سری به کلاس ها می زنم که هر کدام به کاری مشغولند و خودشان را برای حضور در جشنواره ملی جابر بن حیان آماده می کنند. از طبقه بندی و پژوهش گرفته تا آموزش و آزمایش، همه را درگیر کرده است. در همین حال و اوضاع، شکبیا، مدیر آموزش و پرورش ناحیه ۶، سری به این دبستان می زند. در حاشیه بازدیدش از او درباره فعالیت بچه های دبستان مصلی نژاد می پرسم که می گوید:

جابر بن حیان در همه مدارس خوب برگزار می شود اما اینجا نوآوری هایی وجود دارد. اینجا پویایی و خلاقیت موج می زند و همه بچه ها را درگیر کرده است. این خوب است و به رشد و خلاقیت بچه ها کمک می کند. امیدواریم این، کمک کند به اینکه در آینده دانشمندان جوانی از مدارس امروز ما برخیزند. شکبیا البته خطاب به رسانه ها دغدغه ای را هم مطرح می کند: از رسانه ها و مطبوعات می خواهیم اول نقاط مثبت را ببینند. بالاخره کار نکرده درست و اشتباه نیست و املائی نمانده هم غلط ندارد، اما وقتی یک اتفاق رخ می دهد، یعنی یک کار انجام شده است و عده ای درگیر شده اند و فکر کرده اند و عمل کرده اند. ممکن است خروجی، اشتباهاتی هم داشته باشد، اما رسانه ها سعی کنند نقاط مثبت را ببینند و روی آن تمرکز کنند. البته در کنار این توجه به مثبت ها، نقدها را هم خیلی لطیف بگویند. اما اگر از همان ابتدا بروند سراغ اشتباهات و نقاط منفی، نه تنها جامعه به جلونمی رود، بلکه ناامیدی و بیأس در جامعه منتشر می شود و خیلی زود این ناامیدی دامن خود رسانه را هم می گیرد.

زارع - تازه از در دبستان مصلی نژاد وارد شده بودم و هنوز در گیرودار کلتجار رفتن با معماری آن بودم که دیدم دختری با روپوش طوسی و مقنعه سبز، از گروه دوستانش جدا شده است و دوان دوان پیش می آید. سر جابم خشکم زد و او همچنان به سمت من می دوید. وقتی به من رسید، چنانکه می خواهد را می بینم در میان بگذارد. نگاهی سریع به اطراف انداخت، سرش را جلو آورد و گفت: «می دانید در شهر چه خبر است؟» هنوز منتظر بودم بگوید در شهر چه خبر است که نیم چرخ زد و راه آمده را با همان شتاب برگشت. من در فکر اینکه واقعا در شهر چه خبر است به راهم ادامه دادم که یکی دیگر از دختر بچه های همان گروه کار دوستش را تکرار کرد. نزدیک من که رسید، دست هایش را طوری جمع کرد انگار می خواهد مشتی آب بردارد، به سمت من دراز کرد و گفت: «جرعه ای آب به من می دهید؟». به صورتش خبره شدم، همه نیاز بود و خواهش، گویی واقعا تشنه اش است. در دل گفتم حالا آب از کجا بیآورم. هنوز گرم و راندا ز کردن چهره معصومش بودم که متوجه شدم از من فاصله گرفته و رفته است. دخترک سوم، حال و روز ابرها را از من پرسید: «از ابرها خبری دارید؟ این روزها چه می کنند؟»

از یک ماه پیش
تصمیم گرفتیم
بچه ها را درگیر
یک فعالیت علمی
همگانی با موضوع
آب کنیم

*مرتضی سعیدی

چند روز پیش که نزدیک ظهر با یکی از دوستان رفته بودیم بوستان وفا، باز هم یک صحنه تکراری از اسراف آب دیدیم. کارگر فضای سبز در گرم ترین ساعات روز با شلنگ آب، چمن ها را غرقاب می کرد. سراغ مسئولش را گرفتم و گفتم اولاً غرقاب کردن دیگر استفاده نمی شود، دوماً چادر انتهای روز یا اول صبح آبیاری نمی کنید؟ خیلی راحت گفت: ما از آب چاه استفاده می کنیم نه از آب شرب! این توجیه او وادارم کرد یادداشت زیر را بنویسم.

بقا و حفظ هفت هزار سال تاریخ و ایستادگی این سرزمین نیازمند تفکر و فعالیت امروز این کارشناسان است که باید فرهنگ صرفه جویی را در مردم رشد دهند.

به عنوان مثال کاشت چمن در پارک ها و میادین و بولوارها چرا متوقف نمی شود؟ این ریزاندام های سبز، بخش بزرگی از ذخایر آب زیر پای ما را می بلعند. باید طرحی نو در انداخت؛ مثلاً در محل هایی که امکان پذیر است به جای چمن سبزی های خوراکی بکاریم، تا هم مردم استفاده کنند و هم آب را برای هیچ هدر نداده باشیم. الان در بعضی کشورهای توسعه یافته جهان، حتی از رنگ های سبز مصنوعی برای زیباسازی زمین های خشک استفاده می کنند و با نصب یک تابلو مردم را در جریان کمبود آب قرار می دهند.

یکی دیگر از سؤال ها این است که مثلاً چه لزومی دارد مدیریت شهری در سال چندین میلیون گل بکارد؟ البته عزیزان زحمت کش شهرداری مدعی هستند که این گل ها کم مصرف

است و آب چندانی نیاز ندارد، اما واقعیت این است که مردم فقط یک مقایسه سردستی انجام می دهند بین شعارهایی که برای صرفه جویی منتشر می شود و چندین میلیون گلی که هر روز کاشته می شود و هر فصل عوض می شود. نگفته پیداست وقتی مردم این تناقض را می بینند، این برداشت می شود که بحران آب واقعی نیست و این ها همه شعار است.

این مملکت به دست ما به ودیعه سپرده شده است و باید از منابع آن به نحوی استفاده کنیم که تا سال ها بعد هم آیندگان مایه زندگی مناسبی داشته باشند. همین امروز باید از هر روشی استفاده کنیم تا مانع این فاجعه شویم چرا که زنگ هشدار چند سالی است به صدا درآمده و اینک وقت عمل و اقدام است.

*پیشگسوت والیبالی و شهروند محله اقبال

شکوائیه آبی